

تأثیر اقدامات بدوکی‌ها در سیستان و بلوچستان بر امنیت مناطق مرزی ایران و پاکستان

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۱

تاریخ پذیرش: ۸۷/۲/۲۰

دکتر رضا کلهر، سرهنگ نوذر امین‌صارمی^۱، و سرهنگ حامد نیاورانی^۲

چکیده:

مسئله امنیت در مرز، روند توسعه و امنیت کشور را متأثر می‌سازد به طوری که کشورهای درگیر با مسائل نامنی در مناطق مرزی دریافته‌اند که به دلایل مختلف از جمله فقر، تنگدستی و... نامنی گسترش یافته و این نامنی به طور مستقیم به کل کشور منتقل گردیده است. استان سیستان و بلوچستان به علت وجود بافت حاکم عشیره‌ای و قومی یکسان در دو طرف مرز ایران و پاکستان، مشکلات کشور همسایه و کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه به ویژه در مناطق مرزی، شاهد توسعه‌نیافتگی و بروز حوادث امنیتی بوده است. در این پژوهش سعی شده است که با شناسایی ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی استان به ویژه بخشی که به بلوچستان مشهور و هم مرز با کشور پاکستان می‌باشد به معضلات موجود در آن استان اشاره گردد. در این راستا تعدادی از ساکنان آن استان که به نام بدوکی مشهور هستند و در مناطق خاصی از مرزهای مشترک ایران و پاکستان اقدام به تردهای غیرمجاز می‌نمایند، دارای رفتارهای خلاف قانون از قبیل قاچاق کالا، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، جاسوسی، شرارت دارند. در این تحقیق تأثیر عملکرد آنان بر امنیت مناطق مرزی ایران و پاکستان مشخص می‌شود. تحقیق نشان داد که علی‌رغم فعالیت‌های خلاف قانون و بدون مجوز این افراد در مناطق مرزی اقدامات آنان سرچشمه نامنی در مرز نمی‌باشد و ریشه نامنی‌ها را باید در محل دیگری جستجو نمود. نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی بوده و از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات از روش دلفی استفاده و با بررسی پیشینه و ادبیات موضوع پرسشنامه‌ای در قالب طیف لیکرت تهیه و پس از تست مقدماتی و تعیین روایی و اعتبار به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شد. برای تعیین جامعه آماری از کارشناسان و صاحب‌نظران ادارات و نهادهای امنیتی انتظامی استفاده گردیده است. برای تعیین اعتبار تحقیق از روش اعتبار و برای محاسبه پایانی تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است.

کلید واژه‌ها:

مرزداری / Border Policing / بدوکی / Badookis / مرز / Borders / امنیت مرز / Border security / قاچاق مواد مخدر / Drug smuggling / استان سیستان و بلوچستان / Sistan and baluchistan Province.

■ **استناد:** کلهر، رضا؛ صارمی، نوذر امین؛ نیاورانی، حامد (تابستان ۱۳۸۷). «تأثیر اقدامات بدوکی‌ها در سیستان و بلوچستان بر امنیت

مناطق مرزی ایران و پاکستان». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره دوم: ۱۶۹-۱۸۱

۱. دانشگاه امام حسین(ع)

۲. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی)

۳. کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی

مقدمه

از آنجا که وجود ۹۸۰ کیلومتر مرز مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و وجود بافت حاکم عشیره‌ای و قومی یکسان در دو طرف مرز و مشکلات کشور همسایه از قبیل عدم نظارت کافی بر مرز و محدودیت زمینه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی و همچنین کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و عدم توسعه در این منطقه، وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی و فرهنگی، فقدان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در این خطه در سال‌های اخیر تبعات گوناگونی از جمله روی آوری احتمالی به مبادلات غیررسمی بخش وسیعی از اشتغال مالی را تأمین و قاچاق کالا و مواد مخدر و ترردهای غیر مجاز و... را به دنبال داشته است و علی‌رغم اقدامات همه‌جانبه یگان‌های مرزی کنترل قابل قبولی انجام نشده و درعمل هر دو شاخص فوق به مرحله اجرا درنیامده است.

بررسی‌های انجام شده نشانگر این موضوع است که بسیاری از این موارد با همکاری و همیاری و توسط خود مرزنشینان و بدوکی‌ها به صورت سازمان یافته یا انفرادی صورت گرفته است که علی‌رغم سیاست‌های چندگانه اجرا شده توسط مسئولین سیاسی و انتظامی استان مبنی بر جلوگیری از این گونه اقدامات تاکنون نتیجه قابل قبولی عاید نگردیده است. به طوری که برخورد قهرآمیز با بدوکی‌ها علی‌رغم اینکه منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از آن‌ها گردیده فقط باعث بروز مشکلات قضایی و سازمانی برای نیروهای ناجا گردیده و خللی در اقدامات بدوکی‌ها به وجود نیاورده است و ناگزیر مسئولین کشور و استان، سعی نموده‌اند که با اجرای طرح‌های مقطعی این مشکل را تا حدودی مهار نمایند که درعمل چندان توفیقی نداشته و کماکان این اعمال خلاف قاعده در مناطق مرزی با پاکستان موجب ناامنی انتظامی، اقتصادی و سیاسی در سطح کشور و استان گردیده است.

با توجه به مسائل فوق، سؤال اساسی این تحقیق عبارتست از: اقدامات بدوکی‌ها در مرزهای مشترک جمهوری اسلامی ایران و پاکستان چه پیامدهای امنیتی انتظامی به دنبال دارد؟

هدف نهایی از تحقیق شناسایی عملکرد بدوکی‌ها در منطقه هم مرز ایران با پاکستان و تأثیر آن بر امنیت منطقه می‌باشد. فرضیه‌های فرعی این تحقیق عبارت است از: الف) اقدامات بدوکی‌ها با قاچاق کالا در مرز رابطه مستقیم دارد. ب) اقدامات بدوکی‌ها با قاچاق مواد مخدر در مرز رابطه مستقیم دارد. ج) اقدامات بدوکی‌ها با جاسوسی در مرز رابطه مستقیم دارد. د) اقدامات بدوکی‌ها با شرارت در مرز رابطه مستقیم دارد.

جغرافیای انسانی سیستان و بلوچستان: استان سیستان و بلوچستان بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۲۰ دقیقه

طول شرقی واقع گردیده که از شمال به استان خراسان، از شرق در مرزی به طول ۱۱۰۰ کیلومتر با کشورهای افغانستان و پاکستان، از مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان و از جنوب با ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی به دریای عمان محدود می‌شود (سالنامه آماری سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱، ص ۵). مساحت کل استان ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع بوده که از این نظر با ۱۱/۴ درصد از مساحت کل کشور در رتبه اول استان‌های کشور قرار دارد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

خصوصیات و ویژگی‌های این استان را عواملی از جمله: وسعت زیاد، پراکندگی، رشد سریع و جوان بودن جمعیت، همجواری و همسایگی با دو کشور معضل خیز پاکستان و افغانستان، محرومیت اقلیمی و شرایط زیستی، گسترش در عرض جغرافیایی، شیوه‌های معیشتی، محرومیت تاریخی ممتد و عقب‌ماندگی در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی، تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی مرزنشینان منطقه با اقوام کشورهای همجوار، کمبود شدید زمینه‌های اشتغال سالم، وجود زمینه‌های فراوان گرایش افراد بیکار به فعالیت‌های غیرقانونی و... را تشکیل می‌دهد. استان از لحاظ طبیعی در قسمت شمال، هموار و در قسمت جنوب غلبه، ناهمواری‌ها غالب می‌باشد. حداقل ارتفاع استان از سطح دریا ۷ متر مربوط به شهرستان چابهار و حداکثر ارتفاع از سطح دریا ۱۴۰۰ متر مربوط به شهرستان خاش می‌باشد (ملک ریزی، ۱۳۸۱، ص ۵). استان سیستان و بلوچستان براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس مسکن سال ۱۳۸۵ دارای جمعیتی بالغ بر ۲۴۰۵۷۴۲ نفر و در سال ۱۳۷۵ دارای جمعیتی بالغ بر ۱۷۲۲۵۷۹ نفر بوده که این رقم در سال ۱۳۶۵ تعداد ۱۱۹۷۹۰۵ نفر و در سال ۱۳۵۵ تعداد ۶۶۴۲۹۲ نفر بوده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۳، ص ۶۱).

پیشینه قاچاق کالا: در سطح منطقه بلوچستان جنوبی، مرکزی و سواحل خلیج فارس، تجارت برده و طلا سابقه‌ای طولانی داشته و این امر تا هنگامی که انگلیسی‌ها در اواخر قرن نوزدهم جلوی آن را گرفتند، ادامه داشت. از اوایل قرن بیستم با بروز جنگ میان انگلیسی‌ها و افغان‌ها و نیز انگلیسی‌ها و بلوچ‌ها، تجارت غیرقانونی سلاح و مهمات از رونق قابل توجهی برخوردار شد و پاره‌ای از قبایل و طوایف بلوچ در تجارت پرمفعت اسلحه و رساندن آن به بلوچ‌های متخاصم و نیز نیروهای افغانی درگیر با انگلیسی‌ها نقش موثری ایفا کردند.

عملیات حمل اسلحه قاچاق از مسقط شروع می‌شد. تجار بوشهری و نمایندگان و شرکای مسقطی آن‌ها اسلحه را تهیه می‌کردند و از آنجا بلوچ‌ها و افاغنه اسلحه را می‌خریدند و توسط کشتی به ساحل مکران (سواحل جنوبی بلوچستان ایران) حمل می‌کردند. رؤسای طوایف بلوچ آن نواحی «جنس» را تحویل گرفته، تا مسافتی داخل بلوچستان که محدوده

قدرت آن‌ها بود می‌بردند و از آنجا دسته‌ای دیگر آن را دریافت کرده، به همین طریق به گروهی دیگر می‌سپردند و این کار همین طور تا افغانستان و رسیدن محموله قاچاق به دست صاحبان آن ادامه داشت. به مرور با از میان رفتن زمینه تجارت سلاح به سبب شرایط سیاسی و تسلط و نفوذ دولت مرکزی در دوران پهلوی امکان غارت و نیز قاچاق اسلحه، این جریان در فرآیند تحول خود، جایش را به قاچاق کالاهایی که در بازار داخلی تقاضا برایشان وجود داشت؛ از قبیل انواع پارچه و البسه، لوازم خانگی سبک و ارزان قیمت، دارو و برخی کالاهای مصرفی دیگر سپرد.

به تدریج از سال‌های اولیه دهه چهل، امکان عرضه و نیز تقاضای داخلی برای این کالاها بیشتر شد و به تبع آن، آمیختگی و کسب مهارت در کار قاچاق نیز فزونی یافت و مردم منطقه نیز گرایش بیشتری به سوی این پدیده پیدا کردند. در بدو امر قاچاق کالا بیشتر در محدوده بلوچستان جنوبی و مرکزی - که ارتباط سهل تری با دریا و کشورهای حاشیه خلیج فارس داشت - رواج یافت و کالاها پس از ورود به منطقه، توسط کاروان‌های قاچاق پس از گذر از داخل استان از مسیر کویر به شهرهای مرکزی کشور نظیر استان اصفهان، کاشان و حوالی تهران حمل می‌شدند و از آنجا در سطح کشور توزیع می‌گردیدند. در آن هنگام شهر زاهدان در مراحل ابتدایی رشد خود بود و مرکزی برای باراندازی و سازماندهی قاچاق کالا محسوب نمی‌شد و فقط به مقدار محدود و به منظور رفع برخی از نیازهای مردم شهر، برخی از کالاهای قاچاق که بیشتر نیاز کالاهای پاکستانی بود از مسیر میرجاوه و نفتان به این شهر حمل می‌شد. به تدریج با رشد و توسعه شهر زاهدان، این شهر به عنوان یکی از مراکز اصلی در امر تهیه و توزیع کالاهای قاچاق در کنار سایر مراکز درآمد و رشد قطبی خود را سرعت بخشید و حوزه نفوذ و عملکرد خود را تا اقصی نقاط کشور توسعه داد (سال‌های ۱۳۵۰ تا کنون).

زمینه‌های پیدایش قاچاق کالا در استان سیستان و بلوچستان:

۱- موقعیت ژئوپلیتیک استان: همسایگی استان با پاکستان و افغانستان و آب‌های آزاد (دریای عمان) و وابستگی‌ها و تعلقات قومی و قبیله‌ای شرایطی را مهیا ساخته که ساکنان استان به راحتی بتوانند با همزبانان خود در این دو کشور ارتباط برقرار نمایند. شرایط طبیعی و موقعیت جغرافیایی استان و در کنار آن فقدان زیرساخت‌های اقتصادی مناسب و منابع معیشتی و اشتغال، به شکل بالقوه این شیوه معیشت را در نهاد استان قرار داده است.

۲- خصلت‌های عشایر بلوچ: عدم رابطه صمیمی متقابل میان حاکمیت کشور و بلوچ‌ها به مفهوم کلی آن از گذشته تا کنون با شدت و ضعف ادامه داشته و این امر سبب عدم شکل‌گیری و استمرار حس اعتماد به دولت مرکزی در ذهن آن‌ها شده است. از پیامدهای این عدم حس اعتماد و اطمینان پنهان‌کاری است که جزء خصلت‌ها و ویژگی‌های عشایر

استان محسوب می‌شود. در دهه‌های گذشته، بلوچ رفتارهای خاصی داشته است، به طوری که در بیشتر نقاط بلوچستان مرکزی، جنوبی و سرحد، طوایف کوچ نشین به غارت و چپاول سرزمین‌های مجاور می‌پرداختند. البته این امر در فرهنگ آن‌ها با دزدی و دستبرد تفاوت داشته است؛ زیرا هنگامی که به «چپو» می‌رفتند دسته جمعی حرکت کرده، اشعار حماسی می‌خواندند و در این شرایط خطر اسارت و کشته‌شدن در بالاترین حد خود وجود داشت. با این حد پس از هر چپو برای مدت‌ها خاطرات آن باقی و نقل محافل بوده است. افرادی که در این عملیات رشادت و جسارت بیشتری نشان می‌دادند، شأن اجتماعی بالاتری کسب می‌کردند و انگشت نما می‌شدند. هنگامی که اقتدار حکومت مرکزی در دوران پهلوی اول تسری یافت و نهادهای نظامی امنیت نواحی مختلف بلوچستان را به دست گرفتند، پدیده دیگری که منطبق با روحیات عشایر استان بود رخ نمود و آن قاچاق بود. نخستین مورد قاچاق با توجه به شرایط خاص آن برهه، قاچاق اسلحه بود. که به تدریج این جریان به قاچاق کالا و سپس تجارت پرمفعت‌تر مواد مخدر - در مواقعی که جلوی قاچاق کالا به شدت گرفته می‌شد - کشیده شد، چراکه سود حمل چندین کیلوگرم مواد مخدر به مراتب بیشتر از سود حمل چندین تن کالای قاچاق بود. البته لازم به توضیح است که این امر در کلیه مناطق استان مصداق نداشته است.

۳- جنگ داخلی افغانستان و مهاجرت افغانه به ایران: طی سال ۱۳۵۷ و سال‌های پس از آن به دنبال تغییرات سیاسی در کشور افغانستان و بروز ناآرامی و جنگ در این کشور، بسیاری از اتباع افغانی در مقیاس وسیع به استان‌های شرقی کشور از جمله سیستان و بلوچستان مهاجرت کردند. بخشی از این جمعیت در فعالیت‌های کشاورزی، گروهی در فعالیت‌های دامداری، برخی در مشاغل ساختمانی و شمار قابل توجهی در مشاغل خدمت‌های و از جمله دادوستد و مبادله کالا جذب شدند. از آنجا که شماری از این مهاجران در گذشته و قبل از ورود به ایران نیز در قاچاق کالا و مواد مخدر دست داشته‌اند، مهاجرت آن‌ها به استان زمینه گسترش اینگونه فعالیت‌ها را مهیاتر ساخت به طوری که با توجه به مشترکات زبانی و فرهنگی که بین این مهاجران (علی‌الخصوص مهاجران افغانی بلوچ) و ساکنان بلوچ استان و پاکستان وجود داشت، به زودی سازمانی متشکل از این نیروها و بلوچ‌های دست اندرکار قاچاق به وجود آمد که نمود عینی آن در حال حاضر در بازار چهارراه رسولی زاهدان به خوبی مشهود است. امکان تردد راحت این افراد و همچنین آشنایی بیشتر آنان با مبادی تهیه و ورود کالا، به خصوص کالاهایی که از پاکستان وارد کشور می‌شوند یا از داخل کشور به پاکستان قاچاق می‌کردند آن‌ها را در شرایط کنونی دست اندرکاران اصلی قاچاق کالا تبدیل کرده است.

۴- جنگ ایران و عراق: جنگ تحمیلی نیز به نوعی بر توسعه فعالیت‌های قاچاق کالا تأثیر گذاشته است. گسیل نیروهای نظامی و انتظامی که در سال‌های اولیه انقلاب کنترل شدیدی را بر مرزها اعمال می‌کردند، به جبهه‌های جنگ و همچنین عدم امکان تخصیص اعتبار لازم برای واردات برخی از کالاهای مورد نیاز جامعه از سوی دولت به واسطه محدودیت‌های ارزی، و نیاز به منابع ارزی و در آمدی موجود برای خرید تسلیحات و تجهیزات جنگی، کمبودهایی را در بازار داخلی در پی داشت. تقاضای فراوان برای چنین کالاهایی در بازار داخلی، واردات آن‌ها را از طریق غیرمجاز از جمله از مرزهای استان سیستان و بلوچستان مقرون به سود و صرفه کرد.

۵- روحیه مصرف‌گرایی و تجمل پرستی در داخل کشور: در سال‌های دهه پنجاه، حمل کالاهای لوکس و قاچاق آن به داخل کشور با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و تقاضای موجود، منفعت سرسام‌آوری داشت؛ اما در سال‌های دهه شصت این کالاها جای خود را بیشتر به کالاهای واسطه‌ای، بهداشتی، مصرفی و..... دادند که معمولاً جنبه تجملی نداشتند.

در مقطع زمانی پس از جنگ تا کنون نیز کمبود برخی از کالاها در بازار داخل به دلیل محدودیت ارز تخصصی از طریق مراجع رسمی، ممنوعیت ورود پاره‌ای از کالاها از مبادی قانونی و در کنار آن سود فراوان حاصل از تجارت غیرقانونی و قاچاق کالا، باز هم دست‌اندرکاران قاچاق را به توسعه و تداوم فعالیت‌هایشان تشویق و ترغیب کرده است. در این میان آنچه جلب توجه می‌کند، تغییر نوع اجناس قاچاق شده به داخل کشور از مصرفی و لوکس، در خلال سال‌های دهه پنجاه، به غیرلوکس است. به بیان دیگر این تغییر ماهیت که در خلال جنگ رخ نموده بود، به دلیل تقاضای موجود در داخل کشور در برهه پس از آن تاکنون نیز ادامه داشته و به نظر می‌رسد که در آینده نیز نقش خود را در خصوص تأمین پاره‌ای از اقلام مورد نیاز به ویژه کالاهای واسطه‌ای، در صورت عدم برخورد مؤثر با این ساختار، کماکان حفظ خواهد کرد.

۶- مناطق آزاد تجاری و بازرچه مرزی: در قالب طرح توسعه استان (طرح توسعه محور شرق) به منظور کمک به ایجاد زمینه‌های توسعه منطقه‌ای، ایجاد مناطق آزاد تجاری با هدف امکان سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد زمینه اشتغال و توسعه منطقه، و نیز بازرچه‌های مرزی با هدف ایجاد امکان مبادلات مرزی میان ساکنان نواحی مرزی، رفع نیازهای کالایی، ایجاد اشتغال و فعالیت و کاستن از میزان مبادلات غیرقانونی کالا و قانونمند کردن مبادلات مرزی به عنوان یکی از راهکارها پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران رسید. در این چارچوب، منطقه آزاد تجاری چابهار و چندین بازرچه مرزی از قبیل بازرچه مرزی میلک، میرجاوه،

نگور، و جکی گور شکل گرفت.

این بازارها و منطقه آزاد چابهار جدا از آثار مثبت و منفی که در اقتصاد منطقه داشته‌اند، به شکل بارزی به تسهیل امکان نقل و انتقال کالای قاچاق به ویژه وارد کردن کالاهای قاچاق از نقاط پیرامونی منطقه آزاد و نیز بازارچه‌های مرزی به داخل استان و سپس عرضه آن‌ها در بازارهای فروش کالاهای خارجی کمک رسانده‌اند. به همین علت بین کالاهایی که به شکل غیرقانونی وارد بازار کالاهای خارجی استان به ویژه بازار رسولی شهر زاهدان می‌شوند و با کالاهایی که در منطقه آزاد چابهار یا بازارچه‌های مرزی پس از پرداخت حقوق گمرکی و عوارض و... به فروش می‌رسند، تشابه فراوانی وجود دارد.

از نظر اهل سنت استان و علمای آنها، توقیف کالایی که در مسیر ورود به کشور (به شکل قاچاق) توسط نیروهای نظامی و انتظامی توقیف می‌شود، مصداق غصب و خرید و فروش آن حرام است و این اموال باید به صاحبان اصلی شان عودت داده شوند، از همین رو مردم منطقه از خرید و مصرف چنین کالاهایی که گهگاه از طریق گمرک یا ادارات مربوط به فروش می‌رسند، جدا خودداری می‌کنند.

در مورد قاچاق مواد مخدر، علمای اهل سنت استان اعتقاد به غیرشرعی بودن و تحریم آن دارند و آن را خارج از شمول معادلات و مشاغل مشروع می‌دانند. همین مسأله و تبلیغ بر روی آن در سال‌های اخیر باعث شده که پخش عمده‌ای از دست اندرکاران سنی مذهب قاچاق مواد مخدر که نظر علما و روحانیون اهل سنت را برای خود حجت شرعی می‌دانسته‌اند، پس از فتوای علما مبنی بر حرام دانستن خرید و فروش مواد مخدر، دست از حمل و فروش آن بردارند و به سمت بازرگانی غیرقانونی (قاچاق کالا) کشیده شوند.

بدوکی‌ها: این عده محروم‌ترین، فقیرترین و کم‌درآمدترین افراد و به عبارتی استثمارشوندگان در سیستم قاچاق کالا محسوب می‌شوند. بدوکی وظیفه حمل کالاهای قاچاق متعلق به سرمایه‌داران بزرگ را برعهده دارد؛ یعنی عبور دادن کالا از نقاط صعب‌العبور نظیر نواحی کوهستانی و نیز از محل‌هایی که امکان عبور وانت قاچاق به علت کمین یا تأمین نیروهای انتظامی و نظامی مشکل است و سرانجام، رساندن کالاها به شهر. برای مثال در یکی از مسیرهای ورود کالا، یعنی مسیر هشتاد کیلومتری میرجاوه به شهر زاهدان، حمل کالا از بازارچه‌های آنسوی مرز تا منطقه‌ای معروف به تفتان در داخل خاک ایران که با توجه به شرایط زمانی و مکانی از چند صد متر تا چندین کیلومتر طول دارد، دور زدن پاسگاه‌های بین راه و محل‌ها و نواحی کوهستانی که امکان کمین نیروهای انتظامی در آن‌ها وجود دارد، و رساندن کالا از طریق کوچه‌های فرعی بازار رسولی (محل اصلی عرضه کالاهای قاچاق) به مغازه‌ها و انبارهای این محل یا مکان‌های دیگر از مسئولیت‌های اصلی

این افراد است. بدوکی یک کلمه بلوچی بوده و به کسی اطلاق می‌شود که باری را بر دوش حمل می‌نماید.

قومیت: اکثر بدوکی‌ها از طوایف بلوچ، ریگی، گمشادزهی، شه‌بخش، کردوگرگیچ و ۲۰٪ نیز فارسی زبان می‌باشند که در مرز مستقر شده و برای خود موقعیتی کسب نموده‌اند. همچنین درصدی از بدوکی‌ها پاکستانی، افغانی و زابلی می‌باشند.

مذهب: اکثر بدوکی‌ها سنی مذهب بوده و فارسی زبان‌های آن‌ها شیعه می‌باشند. شایان ذکر است افراد پاکستانی و افغانی نیز از اهل سنت می‌باشند.

آداب و رسوم: بدوکی‌ها دارای آداب و سنن خاصی نبوده بیشتر تابع آداب قبیله و ایل و طایفه می‌باشند. افراد طایفه دارای همبستگی فراوان و از ریش سفیدان طایفه تبعیت می‌نمایند. فرهنگ بدوکی آمیخته‌ای از فرهنگ کشور همسایه بوده و با آنان ازدواج‌های فامیلی صورت می‌دهند و در واقع زندگی دوگانه‌ای دارند. شایان ذکر است که بدون در نظر گرفتن قوم و قبیله نمی‌توان فرهنگی را تعریف نمود.

نوع فعالیت از نظر حرفه‌ای: سازمانی برای اقدامات بدوکی‌ها تعریف نشده است و به طور کلی می‌توان آن را تحت تأثیر عرضه و تقاضا در بازار به صورت غیررسمی تعریف نمود. این افراد بیشتر نقش رابط را بازی کرده و برای افراد ثالث کار می‌کنند به طوری که بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با یکصد بدوکی که به منظور مشخص کردن فعالیت آن‌ها تعیین گردید، حدود ۸۳٪ از بدوکی‌ها به صورت اجیرشده کار می‌کنند و فقط ۱۷٪ به صورت مستقل اقدام به حمل کالا از مرز به شهر می‌نمایند، اما علت اساسی که باعث می‌شود بدوکی‌ها حاضر شوند در تشکیلات و قاچاق کالا به صورت وابسته فعالیت نمایند بدین قرار است: وجود ریسک در کار مستقل به علت تغییرات روزانه قیمت‌ها و محدودیت سرمایه آن‌ها؛

امکان دستگیری و مشکلات جنبی آن برای باربران مستقل: باربران اجیرشده در صورت دستگیری از سوی صاحبان سرمایه و عاملین حمایت و پشتیبانی می‌شوند در حالی که باربران مستقل از چنین امکانی محرومند؛

• تفاوت نرخ حمل و نقل؛

• تفاوت قیمت کالا در خریدهای کلی و جزئی در کشور مبدأ (پاکستان).

محدوده عملکرد: عمده فعالیت افراد بدوکی در شهرستان زاهدان بخش میرجاوه حدفاصل میله مرزی ۷۲ تا میله مرزی ۷۴ در مرز مشترک ایران با پاکستان بوده و به شهرک تفتان پاکستان منتهی می‌گردد و در محدوده شهرستان سراوان بخش جالق و روستاهای روتک و حد فاصل میله مرزی ۱۱۹ تا میله مرزی ۱۳۰ نیز افراد بدوکی فعالیت‌های محدودی دارند.

اجناسی که از ایران به پاکستان حمل می‌شود: این اقلام عبارت است از: مواد سوختنی شامل نفت، گازوئیل، بنزین، آرد، موکت، سیمان، گونی خالی، وسایل پلاستیکی، مواد شوینده، بیسکویت و پفک که این اجناس به صورت عمده از شهر میرجاوه تأمین می‌شود و باعث رونق کار مغازه داران و تجار شهر گردیده است.

اجناسی که از پاکستان به ایران وارد می‌شود: اقلامی که توسط بدوکی‌ها از پاکستان به ایران وارد می‌شود شامل: پارچه، نارنگی، موز، آب میوه، انبه، انواع شربت، کریستال، چای، برنج، لوازم آرایشی، آدامس، شکلات و کبریت می‌باشد. و افراد بدوکی که در امر جابجایی مواد مخدر فعالیت می‌نمایند از طریق عبور از مناطق صعب العبور و کوهستانی اقدام به حمل مواد مخدر از پاکستان به داخل ایران می‌نمایند.

مشکلات فراروی بدوکی‌ها: بدوکی همیشه در معرض خطر مستقیم رویارویی با نیروهای نظامی و انتظامی است که بعضاً مرگش را نیز به همراه دارد. دستگیری، مصادره اموال و جریمه، کشته شدن در مسیر مرز تا شهر به علت تصادف اتومبیل که کم هم پیش نمی‌آید و مسائل و مشکلات عدیده دیگری که با ماهیت کار بدوکی عجین است، از مخاطرات دیگر کار اوست. اما در عین حال علی‌رغم ارزش افزوده‌ای که بدوکی به وجود می‌آورد، مبلغ قابل توجهی دریافت نمی‌کند. برای مثال یک بدوکی در مسیر حرکت از میرجاوه تا زاهدان که مستلزم صرف یک روز وقت به صورت پیاده یا سواره است، مبلغی حدود شش تا هفت هزار تومان دریافت می‌کند، در حالی که ممکن است کالایی که توسط وی حمل می‌شود بیش از ده‌ها برابر این مبلغ نصیب صاحب سرمایه سازد.

بر اساس مصاحبه‌هایی که با یکصد بدوکی به منظور مشخص کردن فعالیت آن‌ها انجام گرفت، مشخص شد که حدود ۸۳ درصد بدوکی‌ها به صورت اجیر شده کار می‌کنند و فقط ۱۷ درصد از آن‌ها به صورت مستقل اقدام به حمل کالا از مرز تا شهر می‌کنند. از این گروه یکصد نفری که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند ۷۱ درصد را افغانه، ۲۴ درصد را بلوچ‌ها و ۵ درصد را نیز بلوچ‌های زابلی یا کشاورزان زابلی که به صورت موقت و فصلی به این کار اشتغال داشتند، تشکیل می‌دادند. به واسطه مسائل و مشکلاتی که بدوکی‌ها با آن مواجهند و بخشی از آن بیان شد، فقط حدود ۱۷ درصد از بدوکی‌ها به صورت مستقل اقدام به حمل کالا می‌کنند؛ که آن هم به اقلامی نظیر شکلات، آدامس، کبریت، رنگ مو، دوک نخ، استکان، نعلبکی و سایر اقلام مشابه و سبک دیگر منحصر می‌شود و بقیه که حدود ۸۳٪ را شامل می‌شود به صورت غیرمستقل و اجیر شده حمل کالاهای صاحبان سرمایه را بر عهده دارند.

بر اساس نتایج مصاحبه و گفتگوهای انجام شده، علت اساسی که باعث می‌شود بدوکی‌ها

حاضر شوند در تشکیلات و سازمان قاچاق به طور وابسته، نه مستقل، فعالیت کنند بدین قرار است: وجود ریسک در کار مستقل، به علت تغییرات روزانه قیمت‌ها و محدودیت سرمایه آن‌ها (خطایی، ۱۳۷۶، ص ۸۵-۹۲).

مواد و روش‌ها

نوع این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی بوده و از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات از روش دلفی استفاده و با بررسی پیشینه و ادبیات موضوع پرسشنامه‌ای در قالب طیف لیکرت تهیه و پس از آزمون مقدماتی و تعیین روایی و اعتبار به جمع آوری داده‌ها پرداخته شد. جامعه آماری تحقیق، کارشناسان و صاحب نظران ادارات و نهادهای امنیتی انتظامی چون ناجا، سپاه پاسداران، اداره کل اطلاعات استان و استانداری می‌باشد. تعداد نمونه ۷۱ نفر می‌باشد که به روش انتخابی تعیین شده است. برای تعیین اعتبار تحقیق از روش اعتبار صوری بهره گرفته شد و برای محاسبه پایایی تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. ضمناً به منظور بررسی فرضیات تحقیق از آزمون T یک نمونه‌ای و آزمون علامت استفاده گردیده است.

یافته‌ها

■ **فرضیه اول:** اقدامات بلوکی‌ها با قاچاق کالا در مرز رابطه مستقیم دارد.

جدول ۱. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه اول تحقیق

تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار T	سطح معنادار (sig)
۶۸	۳/۱۶۱۸	۰/۵۹۴۳	۰/۰۷۲۱	۲/۲۴	۰/۰۱۴

رابطه اقدامات بلوکی‌ها با قاچاق کالا

با توجه به سطح معنی دار به دست آمده ($sig < ۰/۰۵$) فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت اقدامات بلوکی‌ها با قاچاق کالا در مرز رابطه معنی داری دارد. به عبارت دیگر فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود. (آزمون علامت نیز این نتایج را تأیید نمود).

■ **فرضیه دوم:** اقدامات بلوکی‌ها با قاچاق مواد مخدر در مرز رابطه مستقیم دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه دوم تحقیق

سطح معنادار (sig)	مقدار T	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	
۰/۸۶۷	- ۱/۱۲	۰/۰۷۰۰	۰/۵۸۱۶	۲/۹۲۱۵	۶۹	رابطه اقدامات بلوکی‌ها با قاچاق مواد مخدر

با توجه به سطح معنی دار به دست آمده ($\text{sig} > ۰/۰۵$) فرض صفر رد نمی‌شود یعنی نمی‌توان گفت اقدامات بلوکی‌ها با قاچاق مواد مخدر در مرز رابطه معنی داری دارد به عبارت دیگر فرضیه دوم تحقیق تأیید نمی‌شود (آزمون علامت نیز این نتایج را تأیید نمود).

■ **فرضیه سوم:** اقدامات بلوکی‌ها با شرارت در مرز رابطه مستقیم دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه سوم تحقیق

سطح معنادار (sig)	مقدار T	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	
۱/۰۰۰	-۴/۰۶	۰/۰۷۷۸	۰/۶۵۵۲	۲/۶۸۴۵	۷۱	رابطه اقدامات بلوکی‌ها با شرارت

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده ($\text{sig} < ۰/۰۵$) فرض صفر رد نمی‌شود؛ یعنی نمی‌توان گفت اقدامات بلوکی‌ها با شرارت در مرز رابطه معناداری دارد. به عبارت دیگر فرضیه سوم تحقیق نیز تأیید نمی‌شود (آزمون علامت نیز این نتایج را تأیید نمود).

■ **فرضیه چهارم:** اقدامات بلوکی‌ها با جاسوسی در مرز رابطه مستقیم دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه چهارم تحقیق

سطح معنادار (sig)	مقدار T	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	
۰/۰۲۴	۲/۰۱	۰/۰۵۹۵	۰/۵۰۱۵	۳/۱۱۹۷	۷۱	رابطه اقدامات بلوکی‌ها با جاسوسی در مرز

با توجه به سطح معنی دار به دست آمده ($\text{sig} < ۰/۰۵$) فرض صفر رد می‌شود یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت اقدامات بلوکی‌ها با جاسوسی در مرز رابطه معنی داری دارد. به عبارت دیگر فرضیه چهارم تحقیق تأیید می‌شود (آزمون علامت هم این نتایج را مورد تأیید قرار داد).

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعه فعلی از چهار فرضیه مطرح شده، فرضیه اول و چهارم با توجه به سطح معنی دار به دست آمده ($\text{sig} < 0/05$) فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی با ۹۵ درصد اطمینان این دو فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرند. اما فرضیه دوم و سوم، با توجه به سطح معنی داری به دست آمده ($\text{sig} < 0/05$) فرض صفر رد نمی‌شود و به عبارت دیگر این دو فرضیه تحقیق، تأیید نمی‌شود.

پیشنهادات:

- الف - ممنوعیت اقامت و تردد افغانه در فهرست شهرستان‌های مرزی؛
- ب - حمایت معقول از صنایع داخلی و تلاش جهت ارتقاء کیفیت آن‌ها و ترویج فرهنگ مصرف کالاهای داخلی؛
- ج - ممنوعیت مبادله کالا (حمل، خرید و فروش) کالاهای قاچاق در مبادی عرضه و فروش کالاها (بازار تهران)؛
- د - مبارزه برنامه‌ای و غیرفیزیکی با پدیده قاچاق در افق میان‌مدت و تلاش جهت ساماندهی قابلیت بازرگانی و تجارت منطقه؛
- ه - تقویت بازارچه‌های مرزی استان: این واحدهای اقتصادی که بر خلاف تعهدات کشور همسایه به صورت یک طرفه و با ۵۰٪ ظرفیت خود مشغول به کار می‌باشند و بایستی کشور مقابل را ملزم به اجرای تعهدات خود نمود؛
- و - حمایت و تقویت تعاونی‌های مرزنشین؛
- ز - تعیین محلی برای جابجایی کالا به دوطرف مرز توسط بدوکی‌ها و اعطای مجوزهای کوتاه مدت یک ساله برای تردد در این مناطق (مسیر جاوه - بین میل ۷۲ تا ۷۴)؛
- ح - همکاری‌های همه جانبه اقتصادی امنیتی با کشور پاکستان؛
- ط - انسداد کامل مرزها از طریق حفر کانال و احداث دیوار و افزایش تعداد نیرو در جوار مرز؛
- ی - به کارگیری تجهیزات الکترونیکی در مرز؛
- س - تشدید قانون مجازات مترددین غیرمجاز در مرز؛
- ع - بازنگری در میزان حق الکشف مواد مخدر، کالا، اسلحه در مرز و تسریع در پرداخت آن؛
- ف - افزایش توان عملیاتی و اطلاعاتی نیروهای ناجا و واجا و بسیج در آن مناطق.

کتابنامه

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷). **امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران**. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی شیرازی.
- پیرنیا، حسن (۱۳۳۷). **ایران باستان**.
- خطابی، غلامحسین (۱۳۷۶). **مرز و مرزبانی**. تهران: معاونت آموزش ناجا.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان (۱۳۸۱). **سالنامه آماری سیستان و بلوچستان**، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان (۱۳۸۳). **بانک اطلاعاتی استان سیستان و بلوچستان**. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۰). **تاریخ باستانی ایران**، ترجمه مسعود رجب نیا.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۳). **تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک**، ترجمه ابوالقاسم پاینده.
- ملک رئیسی، حسین (۱۳۸۱). **جغرافیای استان سیستان و بلوچستان**..